



Socio-cognitive analysis of the novels *Begshay Lab* and *Yumiat Mutlaq* (highlighting the positive aspects of the self)

Tahereh Owaisi¹, Mojtabi Behrouzi*², Ali Asghar Habibi³

¹ Master in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

² Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

³ Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
30/04/2024
Accepted:
29/07/2024

Discourse analysis as a tool to identify the ideology governing the text always seeks to discover the hidden layers of the text. As one of the theorists of discourse analysis, Van Dijk designs his socio-cognitive discourse analysis model by emphasizing three indicators of discourse, community and cognition by drawing an ideological square and introducing discourse-building linguistic strategies. Van Dijk's ideological square, by drawing the schema of the insider group and the other group, highlights the positive action of the insider-negative group of the other group and discovers the diminution of the negative action of the insider-positive group of the other group. Feminist novels always try to polarize the society into two oppositions between men and women, so that the patriarchal ideology of societies is considered negative and women's thoughts are considered positive. Based on this, this essay tries to identify the positive and negative highlights of the self and the other in the two novels "The Diaries of a Absolute Woman" and "Begshay Lab" using the descriptive-analytical method and based on Van Dyck's ideological square theory. The preliminary results indicate that in the novel *Diary of an Absolute Woman*, since the author's concern is more about giving identity to women, in the first chapters, the negatives of the outsider group are highlighted, and in the final chapters, the insider group is highlighted; But in *Bagshai Lab's* novel, due to the attempt to make women into heroes, the sides related to the insider group are more frequent. In relation to ideology, the authors have tried to remove some ruling ideologies, reverse some and reproduce some by making the audience aware of the negative ideologies of the patriarchal society.

Keywords: *Van Dyck, ideological square, highlighting, opening the lips, absolute daily life.*

Cite this article: Owaisi, T. & Behrouzi, M. & Habibi, A.A. (2024). *Socio-cognitive analysis of the novels Begshay Lab and Yumiat Mutlaq (highlighting the positive aspects of the self)*, year 1, issue2 , Pp 71-96. Doi: 10.22034/jisall.2025.202962

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



*Corresponding Author: Mojtabi Behrouzi

Address: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

E-mail: mojtababehroozi@uoza.ac.ir



گفتمان کاوی اجتماعی-شناختی رمان‌های بگشای لب و یومیات مطلقه (برجسته‌سازی مثبت‌های خودی)

طاهره اویسی^۱، مجتبی بهروزی^{۲*}، علی اصغر حبیبی^۳

^۱ دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

^۳ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۱۱

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۰۸

تحلیل گفتمان به‌عنوان ابزار شناسایی ایدئولوژی حاکم بر متن همواره در پی کشف لایه‌های پنهان متن است. ون دایک به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان با تأکید بر سه شاخص گفتمان، اجتماع و شناخت مدل تحلیل گفتمان اجتماعی-شناختی خود را با ترسیم مربع ایدئولوژیک و معرفی استراتژی‌ها زبانی گفتمان ساز طراحی می‌کند. مربع ایدئولوژیک ون دایک با ترسیم طرح وارده گروه خودی و گروه دیگری، برجسته‌سازی کنش مثبت گروه خودی-منفی گروه دیگری و کم‌رنگ‌نمایی‌های کنش منفی گروه خودی-مثبت دیگری را کشف می‌نماید. رمان‌های فمینیستی همواره با قطب‌بندی جامعه به دو تقابل مرد-زن تلاش می‌نمایند، تا ایدئولوژی مردسالارانه جوامع، منفی و تفکرات زنانه، مثبت انگاشته شود. بر همین اساس این جستار تلاش می‌نماید تا با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه مربع ایدئولوژیک ون دایک برجسته‌سازی‌های مثبت و منفی خودی و دیگری دو رمان «یومیات امرأه مطلقه» و «بگشای لب» را شناسایی نماید. نتایج اولیه حاکی از آن است که در رمان یومیات امرأه مطلقه چون دغدغه نویسنده بیشتر هویت بخشی به زنان است در فصل‌های نخست برجسته‌سازی منفی‌های گروه غیرخودی و در فصل‌های پایانی پرنرنگ‌نمایی گروه خودی پرنرنگ‌تر است؛ اما در رمان بگشای لب به دلیل تلاش برای قهرمان‌سازی از زنان ضلع‌های مرتبط با گروه خودی بسامد بیشتری دارد. در ارتباط با ایدئولوژی، نویسندگان تلاش نموده‌اند تا با آگاهی بخشی مخاطب به شناخت ایدئولوژی‌های منفی جامعه مردسالار، برخی ایدئولوژی‌های حاکم را حذف، پاره‌ای را وارونه و مقداری را بازتولید نمایند.

کلمات کلیدی: ون دایک، مربع ایدئولوژیک، برجسته‌سازی، بگشای لب، یومیات مطلقه.

استناد: اویسی، ط. بهروزی، م. حبیبی، ع.ا. (۱۴۰۳). گفتمان کاوی اجتماعی-شناختی رمان‌های بگشای لب و

یومیات مطلقه، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۱-۹۶. Doi: 10.22034/jisall.2025.202962



حقوق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

گفتمان به طور کلی، ابزاری ست برای شناسایی هر آنچه که در ماورای متن، پنهان گردیده است. در گفتمان دو چارچوب متنی و فرامتنی وجود دارد. بخش اول ماهیتی سبکی و متنی-معنایی بخش دوم ماهیتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد، تحلیل گفتمان در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار ترجمه شده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۷). بر این اساس در تحلیل گفتمان علاوه بر عناصر لغوی و نحوی تشکیل دهنده جمله با عناصر بافت موقعیت، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نیز سروکار است. (رک، دسپ، ۱۳۸۸: ۲۴) پس به طور کلی رایج ترین برداشت این اصطلاح تلفیقی از جامعه شناسی و زبان شناسی است، چنان که آن را فراتر از صورت های رویت پذیر زبان و رسیدن به زمینه های اجتماعی و کشف رابطه متقابل میان زبان و فرآیند های اجتماعی تعریف کرده اند (فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۴) تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی در تحلیل گفتمان است که از سال ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت (آقاگل زاده، ۱۳۸۴: ۲۷) که سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان شناختی است که از حد توصیف صرف داده های زبانی فراتر می رود و فرآیند های ایدئولوژیک و بافت های موقعیت بینامتنی موثر بر شکل گیری گفتمان را در کانون توجه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۹۹۵: مقدمه).

این رویکرد شاخه علمی میان رشته ای است که زبان را به منزله شکلی از کارکرد اجتماعی، بررسی و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی با متن و گفتگو تاکید می کند در این دیدگاه نحوه صحبت کردن ما منعکس کننده جهنمان هویتمان و روابط اجتماعی مان به طور خنثی نیست بلکه نقش فعالی در خلق و تغییر آن دارد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۳۸). تحلیل گفتمان انتقادی، نوعی پژوهش انتقادی است که بیشترین وجه جامعه شناختی را دارد همپنانکه از لفظ انتقاد بر می آید در درجه اول به مسئله سوء استفاده از قدرت سلطه نابرابری و باز تولید و مقاومت در متون می پردازد (محمد فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۸) یکی از اهداف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی عینیت سازی ایدئولوژی در گفتمان است شاید بتوانیم بگوییم که گفتمان سیاسی نسبت به بقیه گفتمان ها ایدئولوژیک تر است. ما ایدئولوژی را به عنوان بازنمایی کننده ویژگی های اجتماعی گروه ها تعریف می کنیم. (محمد فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۳)

تئون ون دایک یکی از چهره های شاخص و پیشرو حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است در انجام دادن تحلیل گفتمان معتقد به وجود روش اختصاصی و مکتب یا رویکرد خاصی نیست بلکه با توجه به چند رشته ای بودن این حوزه خواستار تلفیق بهترین رویکرد های اقتباسی از فرهنگ و علوم مختلف است از این رو با توجه به گرایش چند رشته ای خود برای روشی که تحلیل گفتمان به کار می برد برچسب گفتمان شناختی-اجتماعی بر می گزیند (آقاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۵). وی از جمله افراد برجسته و از پیشگامان مطالعه و پژوهش در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است که بیشتر آثار انتقادی اش به باز تولید تعصبات قومی، نژادپرستی و ایدئولوژی در گفتمان اختصاص دارد (غیاثیان، ۱۳۸۶: ۲۰۲). ون دایک بر این باور است که بین ساختار های گفتمان و ساختار های اجتماعی رابطه مستقیمی وجود ندارد و آن ها همیشه به واسطه ی شناخت فردی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می شوند. و شناخت حلقه ی

گمشده بسیاری از مطالعات زبانشناسی و تحلیل گفتمان انتقادی است از این رو مثلث جامعه شناخت و گفتمان را ارائه می دهد. (ون دایک ۲۰۰۱).

ون دایک در جریان مطالعات خود ابزاری مفهومی به نام مربع ایدئولوژیک معرفی کرده که بر مبنای اظهارات وی، تعیین کننده انتخاب راهبرد های ارجاعی است. این مربع پیش بینی می کند که غیر خودی ها از هر گروهی باشند به گونه ای منفی معرفی و توصیف خواهند شد. و خودی ها به گونه ای مثبت بازشناسانده خواهند شد. این امر از رهگذر بزرگنمایی ویژگی ها و فعالیت های اجتماعی منفی خود را کوچک جلوه دادن صورت می پذیرد؛ بنابراین در راهبرد های ارجاعی کلمات و عبارات مثبت برای ارجاع به ما به کار برده می شود و واژه های منفی به آن ها ارجاع داده می شود. (حامد شیروان وزرقانی، ۱۳۹۳: ۴) مربع ایدئولوژی ون دایک بر چهار رکن استوار است که به نظر او طرفداران هر ایدئولوژی در سطوح مختلف از آن استفاده می کنند. این چهار رکن فقط در نزاع های گروهی و تعامل با گروه های مختلف به کار گرفته نمی شود؛ بلکه غالباً ما آنگاه که در برابر خود و دیگران فکر می کنیم نیز خودآگاه یا ناخودآگاه همین چهار اصل بر تفکرات، احساسات و رفتارمان حاکم است. (ون دایک، ۲۰۰۰: ۴۴-۴۵)

بیان مسئله

گفتمان که در انگلیسی معادل **discourse** است، نوعی ایجاد، تولید و بازدهی متن می باشد (صلح جو، ۱۳۷۷: ۸) برخی گفتمان را چون دو روی سکه می دانند که یکروی آن متن یا گفتار و روی دیگر آن کارکردهای فکری و اجتماعی است (یار محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). فوکو گفتمان را دارای زمینهی اجتماعی و ریشهی آن را قدرت می داند. گفتمان از نظر فرکلاف مجموعه ای از افعال، رفتارها، برخوردها و نگرش هایی است که برای انجام عملی و به قصد تحقق هدفی در جامعه خاص به کار گرفته می شوند. وی این افعال و رفتارها را نهادینه می داند که کارکرد و نقش اجتماعی ویژه ای دارد (faiclough, 1995: 4). پژوهش های گفتمان کاوی زبان شناسان غربی در جهان عربی نیز مورد توجه زبان شناسانی چون محمود عکاشه، محمد عزام، صالح فضل، علی مهدی زیتون و... قرار می گیرد و اصطلاح «خطاب» معادل معنایی **discourse** می گردد و خطاب بازتاب درونی کلام شخص توصیف می شود (شرشار، ۱۹۹۸: ۱۱-۱۰). الشهري بر این باور است که گفتمان «به عنوان یک واحد زبانی، به بررسی ساختار و روابط بین اجزای متن اکتفا نمی کند بلکه بعد دیگری را در نظر دارد و آن بعد کاربردشناختی است. از این منظر باید عناصر بافتی و سطح تأثیر آن ها در گفتمان بررسی شود (الشهري، ۲۰۰۴: ۳۸) بنابراین فهم گفتمان به ارتباط بین فکر و زبان برمی گردد و بحث گفتمان به دنبال فهم تأثیر تفکر در زبان است (عبدالسمیع، ۲۰۰۱: ۱) زبان شناسان عربی متأثر از اندیشه های گفتمانی غربی، متن را شبکه ای هوشمند می دانند که دارای رموزی حاوی اندیشه نویسنده و گوینده می باشد و تحلیل گفتمان در جهت شناسایی این رموز و کشف اندیشه حاکم بر متن است. (العیاشی، ۲۰۰۲: ۱۲۶)

تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان رویکردی زبان‌شناختی، زبان را به‌عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن، اعم از گفتاری نوشتاری، مطالعه می‌کند (باسمی و آقاگل زاده، ۱۹۲). ون دایک به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان در مدل تحلیلی خود با تأکید بر سه ضلع گفتمان، شناخت و اجتماع تحلیل گفتمان اجتماعی- شناختی را پایه‌ریزی می‌کند. گفتمان در مدل ون دایک به معنای عام یک رویداد ارتباطی از جمله تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، حرکات بدن و سر و دست، صفحه‌بندی، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر دلالت‌های معنایی است (ون دایک، ۲۰۰۱: ۹۸) ون دایک شناخت را دارای ابعاد اجتماعی مهمی می‌داند. شناخت در اندیشه وی دو جنبه فردی، اجتماعی، باورها، اهداف، ارزیابی، احساسات و همه امور مرتبط با ذهن و حافظه است که به گفتمان و تعامل ارتباط دارند (VonDaijk, 1998: 31) و اجتماع که هم دربردارنده ساختارهای خرد محلی تعاملات است و هم شامل ساختارهای همگانی‌تر سیاسی و جمعی که در قالب گروه‌ها، روابط گروهی، جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرایندهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی و خصوصیات انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها تعریف می‌شود (هامن:۳۲). از نظر ون دایک بررسی جنبه‌های اجتماعی شناخت و طرح‌واره‌ها مانند خود طرح‌واره و گروه طرح‌واره روشن خواهد ساخت که چگونه انسان چیزی را درک، تفسیر و نسبت به خودش و دیگران عملی می‌کند. از این روی وی تحلیل گفتمان اجتماعی - شناختی را بر اساس مربع ایدئولوژیک معرفی می‌کند (P,Dijk Van, 1998: 129-132). مربع ایدئولوژیک ون دایک متشکل از چهار ضلع با گزاره‌های مفهومی ۱. برجسته‌سازی نکات مثبت خود ۲. برجسته‌سازی کم‌رنگ‌نمایی نکات منفی دیگری ۳. کم‌رنگ‌نمایی نکات منفی خودی ۴. کم‌رنگ‌نمایی نکات مثبت دیگری ون دایک بر اساس طراحی این مربع در پی کشف ایدئولوژی حاکم بر متن است وی ایدئولوژی را باورهای بین گروه و اعضای آن می‌داند (ون دایک، ۲۰۰۰: ۷) او رابطه‌ی بین گفتمان و ایدئولوژی را این‌گونه می‌داند که ایدئولوژی به‌طور خاص به‌وسیله گفتمان‌ها ایجاد، تأیید، دگرگون و پایدار می‌شوند (ون دایک، ۲۰۰۶: ۱۱۵). مدل ایدئولوژیک ون دایک دارای دو سطح خرد و کلان متن است. سطح کلان متن انتزاعی است که با استفاده از آن روابط بین گروه‌ها و کنش‌گران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در یک جامعه با لحاظ کردن مفاهیم فرازبانی مثل ایدئولوژی، سیاست و قدرت توصیف و تحلیل می‌شود و در سطح خرد، استراتژی زبانی بر اساس آن باور می‌شود. این نظریه‌پرداز معتقد است؛ چون ایدئولوژی از طریق گفتمان بیان، آموخته، تقویت و بازتولید می‌شوند، بنابراین باید استراتژی‌ها، نشانه‌ها و عناصر زبان‌شناختی که در متن تکرارپذیر هستند را کشف نمود.

وی با اشاره به ضمیر «ما» و «آنان» بر آن است تا نشانه‌های متن را معرفی کن (Van Dijk, 2006: 127-127) رمان‌های فمینیستی به دلیل پرداختن به مشکلات زنان از طریق تقسیم جامعه به دو گروه خودی (زنان) دیگری (مردان) همواره در گفتمان خود به دنبال حذف، بازتولید و یا جایگزینی ایدئولوژی تلاش می‌کنند. هیفا بیطار نویسنده سوری از جمله فمینیست‌هایی است که در رمان‌های خویش همواره به نقد ایدئولوژی حاکم بر جامعه مردسالار می‌پردازد. وی در رمان یومیات امرأه مطلقه با

محوریت قرار دادن مشکلات زنان در جامعه‌ی سوریه و قطب‌بندی جامعه به دو سویه مرد-زن، تلاش می‌کند تا ایدئولوژی‌های نرینه محور را حذف و دگرگون نماید. شهره و کیلی رمان‌نویس ایرانی نیز در رمان بگشای لب نیز ایدئولوژی سلطه جویانه مردسالاری را مورد نقد قرار می‌دهد. وی با پردازش موضوع طلاق، خیانت و قهرمان سازی به دفاع از حقوق زنان می‌پردازد. از همین رو با توجه بیان ایدئولوژی رمان‌های فمینیستی در قالب قطب‌بندی‌های دوسویه و تلاش برای منفی سازی اندیشه نرینه محور و ارتقا بخشی به جایگاه زنان از طریق به‌کارگیری استراتژی‌های زبانی این جستار سر آن دارد تا با رویکردی توصیفی- تحلیلی و بر اساس نظریه فوق به خوانش تطبیقی برجسته سازی ویژگی های مثبت گروه خودی دو رمان بپردازد.

زنان در طول تاریخ سعی در آزادی خواهی های مد نظر خود و احقاق حقوق از دست رفته خویش بوده اند. "فمینیسم را گاه جنبش سازمان یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه ای که برابری زن و مرد از جنبه های سیاسی، اقتصادی، حقوقی معتقد است، معنا کرده اند" (یزدانی و جندقی، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۴) بدین ترتیب رمان های فمینیستی به دلیل پرداختن به این مشکلاتشان، جامعه را به دو گروه خودی (زنان)، غیر خودی (مردان) تقسیم می کنند و در گفت‌مان خود به حذف بازتولید و جایگزینی ایدئولوژی تلاش می کنند. یکی از رمان ها مورد بررسی در این جستار رمان هیفا بیطار است که همواره معترض نادیده انگاشته شدن جایگاه زن در جامعه خویش است به طور کلی زن عرب در رمان ها هیفاء بیطار از جایگاه نابسامان خویش در جامعه ای که مرد را برتر از زن می شمارد، ناخشنود است. او پرده از ارزش های مردسالارانه و ساختگی جامعه برمی دارد و واقعیت خشمی را که زن عرب با آن دست و پنجه نرم می کند نمایان می سازد (شهریار نیازی وهمکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۰) وی در رمان یومیات امراء المطلقه با محوریت قرار دادن مشکلات زن مطلقه در جامعه و خانواده به قطب بندی دوسویه زن و مرد به حذف یا دگرگون سازی ایدئولوژی مرد سالاری در جامعه می پردازد.

رمان دیگر مورد بررسی رمان بگشای لب با نویسندگی شهره و کیلی یکی از نویسندگان معاصر ایرانی که در این رمان با آشکار سازی تعصبات و خیانت در مردان و قهرمان سازی زنان سعی در مبارزه با ایدئولوژی مرد سالاری دارند. هر یک از این رمان های فمینیستی با ابزارها و استراتژی های زبانی در پی مبارزه با اندیشه های نرینه محور و ارتقای جایگاه زنان چه در اجتماع و چه در خانواده را دارند. در این جستار سعی شده با رویکردی توصیفی - تحلیلی و بر اساس نظریه تحلیل گفت‌مان ون دایک نخست برجسته سازی و کم رنگ نمایی دو اثر، استراتژی های زبانی آن را بررسی کند و سپس اساسی ترین استراتژی های پنهان بازتولید، حذف و وارونه انگاشته شده را تحلیل نماید.

سوالات و فرضیه های تحقیق

۱. بر اساس نظریه ون دایک پربسامدترین ضلع مربع ایدئولوژیک در رمان یومیات امراء مطلقه کدام است؟

۲. بر اساس نظریه ون دایک پربسامدترین ضلع مربع ایدئولوژیک در رمان بگشای لب کدام است؟

۴. اساسی‌ترین تفاوت گفتمان ایدئولوژیک دو رمان چیست؟

۱. پربسامدترین ضلع مربع ایدئولوژیک نظریه ون دایک در رمان یومیات امراه مطلقه پرننگ منایی ویژگی‌های منفی جامعه مردسالار است.
۲. پربسامدترین ضلع مربع ایدئولوژیک در رمان بگشای لب، پرننگ منایی ویژگی‌های مثبت قهرمان زن است.

اساسی‌ترین تفاوت گفتمان ایدئولوژیک دو رمان از آن‌روست که رمان هیفاء بیطار بیشتر در پی وارونه‌انگاری ایدئولوژی‌های جامعه مردسالار است درحالی‌که در رمان بگشای لب نویسنده بیشتر به دنبال بازتولید ایدئولوژی زن محور در جامعه است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که تاکنون پیرامون نظریه‌ی ون دایک و جامعه‌ی آماری مذکور صورت پذیرفته به شرح ذیل است:

- انصاری نیا و خزعلی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان: «جلوه‌های تمدنی در مناظره امام رضا (ع) و جاثلیق در موضوع نبوت و بر مبنای مربع ایدئولوژیک ون دایک» با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان بر پایه‌ی برجسته‌سازی و حاشیه رانی ایدئولوژیک ون دایک به تحلیل مناظره امام رضا (ع) و چاثلیق در اثبات نبوت پیامبر (ص) می‌پردازد.

- یاسمی و آقا گل زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان: «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب امریکن اینگلیش فایبل با استفاده از مدل ون دایک» به بررسی نمونه‌هایی از متون و تصاویر امریکن اینگلیش فایبل با استفاده از الگوی ون دایک و الگوی کرس و ون لیوون به این نتیجه رسیده‌اند کتاب مذکور مملو از عوامل گفتمانی، مؤلفه‌های اجتماعی - شناختی است و نویسندگان، این کتاب را طوری طراحی کرده‌اند که اهداف ایدئولوژی موردنظر آنان از جمله عرصه دانش و فرهنگ جوامع غربی را در برگیرد.

- پاشازانوس و رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: «تحلیل گفتگوی موسی و فرعون در سایه‌ی مربع ایدئولوژیک ون دایک» با روش توصیفی تحلیلی گفتگوی طرفین را بر مبنای ایدئولوژی طرفین گفتگو بررسی می‌کند تا نسبت به بافت درونی و بیرونی متن آگاهی یابد و نتایج حاکی از آن بود که فرعون با کاربست صورت‌های مختلف زبانی سعی در سیاه‌نمایی و مخدوش‌سازی حضرت موسی دارد.

- قاسمی اصل و شهریاری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به نام: «مطالعه ساخته‌ای گفتمان مدار معنایی در روزنامه الحیة عربستان با تکیه بر الگوی ون دایک» به تبیین استراتژی‌های معنایی پرداخت که نتایج این تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد که بیشترین نمود زبان‌شناختی ساخته‌ای معنایی گفتمان مدار در روزنامه الحیة مربوط به دو استراتژی فاصله‌گذاری و قطب‌شدگی است.

- عرب یوسف‌آبادی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های گفتمان مدار در مربع ایدئولوژیک سروده‌های ملی کشورهای عربی حوزه شام بر اساس مدل ون دایک» به این مهم دست‌یافته‌اند برجسته‌سازی نکات مثبت خود و حاشیه رانی نکات منفی خود مجموعاً ۷۸٪ از نظام

گفتمانی سروده‌ای مورد بحث را به خود اختصاص داده همچنین سطح معنی و سطح گزاره‌ای برجسته‌ترین سطح گفتمانی این سروده است.

از جمله پژوهش‌هایی که پیرامون رمان "یومیات مطلقه" و "بگشای لب" انجام شده که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

- صدقی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به‌عنوان «خوانش ساختارشکنی تقابل‌های دوگانه در رمان یومیات مطلقه (بر اساس دیدگاه هلن سیسکو)» با بررسی تقابل‌های دوگانه اصل / دیگری، کنشگر / کنش پذیر، عشق / ازدواج سنتی و سکوت سخن گفتن را امری مهم می‌داند به این امر دست یافته‌اند که هیفا بیطار برای بازسازی اصالت زنان و دگرگون سازی ی تقابل‌های دو تایی نظام مردسالار و نوشتن تجربه‌های شخصی تلاش می‌کند.

- شیرخانی و مرتضایی (بی تا) در مقاله خود با عنوان: «سیمای زن در روزنگارهای زن مطلقه و عادت می‌کنیم با رویکرد نقد ادبی فمینیستی» نتیجه می‌گیرند که هر دو نویسنده برای بازیابی حقوق پایمال شده خویش به هنجارشکنی روی آوردند.

- بنور عائشه (۲۰۱۰) در مقاله "سیکولوجیة فی: انشطار امرأه من طابقین-للروائیة هیفا بیطار" بیشتری جنبه روان شناسی به عواملی از خود بیگانگی پرداخته است.

همان‌گونه که پیداست تاکنون هیچ پژوهشی به گفتمان کاوی اجتماعی - شناختی ون دایک در رمان‌های فمینیستی نپرداخته است و از طرف دیگر چون در رمان‌های فمینیستی نویسنده همواره بر اساس تقابل‌های دوسویه تلاش مهی نماید تا ایدئولوژی‌های مسلط بر جامعه مردسالار را حذف، بازآفرینی و بازتولید کند، گفتمان کاوی بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک در رمان‌های فمینیستی نوین و ضروری به نظر می‌رسد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. خوانش برجسته سازی مثبت گروه خودی شخصیت های اصلی زن و مرد رمان بگشای

لب و یومیات مطلقه

۲-۱-۱. برجسته سازی مربع ایدئولوژیک ون دایک

ون دایک در ترسیم وضعیت دخالت دست کاری صاحبان قدرت اجتماعی بر مخاطبان خود به یک مربع معنا شناختی اشاره می‌کند که قطب بندی و فاصله ی بین خودی و غیر خودی را نشان می‌دهد (صیادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸) براساس این نظریه با تمرکز بر نکات مثبت من یا ما و نکات منفی آن، دیگری نادیده انگاشتن بدی های ما و خوبی های دیران می‌توان در نظام فکری افراد نفوذ کرد به تدریج موجب تغییراتی در آن شد. به عبارتی دیگر از نظر او راهکار کلی صحبت کردن درباره دیگران شامل مثبت نمایی خود و منفی نمایی دیگران است (آقا گل زاده و غیائیان، ۱۳۸۶: ۴۵)

ون دایک معتقد است غیر خودی ها از هر گروهی که باشند به گونه ای منفی معرفی و توصیف خواهند شد و خودی ها به گونه ای مثبت بازشناسانده می‌شوند. این امر از رهگذر بزرگنمایی ویژگی ها

و فعالیت های اجتماعی منفی آن ها و کم رنگ کردن ویژگی های مثبت و فعالیت های مثبت خود را بزرگ کردن ویژگی ها و فعالیت های منفی خود را کوچک جلوه دادن صورت می پذیرد. (صیادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

۲-۱-۲. معرفی رمان های بگشای لب و یومیات مطلقه

رمان «بگشای لب» نوشته «شهره وکیلی» می باشد. این رمان بر اساس داستان واقعی از یک رمان ایرانی نوشته شده است که شامل ۱۴ فصل که داستان توسط راوی که خود را دوست قهرمان داستان معرفی می گردد. رمانی با تفکراتی سراسر انتقادی نسبت به مردان و جامعه مردسالاری که حقوق زنان را تضییع کرده اند و زنان جامعه را مورد بی رحمی و عدم توجه قرار داده اند. رمانی با فضای گسترده تنوعی شخصیتی گوناگونی برخوردار می باشد.

رمانی عربی یومیات مطلقه نوشته هیفا بیطار است. بیشتر رمان های وی از جمله رمان مذکور رنج زنان سنت شکن، جدا شده از همسر و رنج درباره دردهای ویژه زنان در جامعه مردسالار عربی سخن به میان می آورد. (نیازی و آقاجانی یزد آبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

زن در رمان هیفا بیطار از جایگاه نابسامان خویش که مرد را برتر از زن می داند ناخشنود است و پرده از ارزش های مرد سالارنه و ساختگی در جامعه بر می دارد (نیازی و آقا جانی یزد آبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

۲-۱-۳. برجسته سازی ویژگی های مثبت خودی رمان بگشای لب

۲-۱-۳-۱. برجسته سازی ویژگی های مثبت پروانه

پروانه از شخصیت های مثبت داستان انسانی دوستدار علم، وفادار به همسر و فرزندان، متدین، مدیر در امور زندگی، همیار و همدرد مظلومان و فقرا، که از جمله خودی های پروانه سیما دوست صمیمی او که راوی داستان نیز می باشد. و همچنین مادر عزیز، مادر پروانه و مینا دخترش و طویا خانم و میرزا جعفر و مرجان کارگران منزل وی و برادر و خواهر های پروانه تلقی می شوند که در این رمان تلاش می کنند ویژگی های مثبت او را بیان کنند. که اساسی ترین ویژگی های مثبت برجسته ساخته شده وی به شرح ذیل می باشد:

ویژگی های شخصیتی

سیما دوست صمیمی و همسایه پروانه که در این رمان خودی پروانه محسوب می گردد ویژگی مثبت شخصیت او را چنین برجسته می نماید.

او در ابتدای داستان در معرفی پروانه به دخترش که مادر را در کودکی از دست داده و هرگز او را ندید اینطور معرفی می کند؛ که او از جمله نادره زنانی بود که تا به امروز نظیرش را کمتر دیده ام مجموعه ای دلنشین در یک جمله که هم جمال داشت و هم کمال. (شهره وکیلی، ۱۳۹۲: ۱۳) دوستی و صمیمیتش حقیقی و بی شایبه بود. (همان: ۱۴) از آنچنان علو طبع و روح بلندی برخوردار بود که همه را مجذوب

می‌کرد حتی رقبایش را حرکاتش بی تکلف و مطبوع بود. پر انرژی و بانشاط زندگی می‌کرد. وی حس همدردی و انسان دوستی پروانه را اینگونه بارز می‌کند که او حساس و پارسا بود کارهای خیر سرلوحه برنامه روزانه اش قرار داشت صبر نمی‌کرد تا مستمندی بیاید و از او کمک بخواهد خودش به دنبال مستمندان می‌رفت و با دردمندان می‌آمیخت تقوایش به شور و شوق آغشته بود. خانه بزرگ و زیبایشان را بی دریغ در اختیار دوستان و آشنایان می‌گذاشت که مراسم عروسی یا عزا داشتند اما استطاعت پرداخت هزینه کرایه تالار را نداشتند. (همان: ۸۳)

به راستی از نسلی بکر بود. جیفه دنیا را بیشتر برای افسار کردن روزگار چموش می‌خواست. زندگی ارزش الگو شدن را داشت. (همان: ۱۴)، آب و گل او را از محبت سرشته بودند، (همان: ۵۸)

راوی که خود شیفته ی اخلاقیات پروانه گشته بود، در برجسته سازی ویژگی مهربانی او چنین اظهار می‌داشت، گویی از راهی درونی با همه در ارتباط بود. محبت را برای نفس محبت دوست داشت نه اجر و پاداش دنیوی و اخروی. او علو طبع داشت. (همان: ص ۷۸)

دست و دل بازی او آن چنان در حد اعلا برجسته بود که برای کاوه و خانواده اش عجیب بود و این بزرگ منشی او انسان را شرمنده می‌کرد (همان: ص ۷۹)

وی در جهت بزرگنمایی ویژگی های مثبت پروانه افزود، پروانه زن محکم و با اعتماد به نفسی بود و در بدترین شرایط و حالت های روحی بر خود مسلط می‌شد و کارها حساب شده و سنجیده می‌کرد (همان: ص ۴۷) حتی اگر گاهی حرف از طلاق و جدایی می‌زد هدف برتری داشت می‌خواست طعم از هم پاشیدن زندگی را به نادر بفهماند. او که در کنار شخصیت انسان دوستی اش قاطعیتش توسط راوی برجسته می‌شود که او در برابر دخالت های مادر شوهر می‌ایستاد بی آنکه به کسی توهین کند با رفتار های حساب شده و سنجیده نشان می‌داد استقلالش را به آن آسانی ها از دست نمی‌دهد. (همان: ص ۵۹)

روابط اجتماعی

راوی که از نزدیک در جریان زندگی قهرمان داستان بود روابط اجتماعی پروانه را این گونه به نمایش می‌گذارد: مادرت یکی از نادره زنانی بود که تا به امروز نظیرش را کمتر دیده ام و مجموعه ای دلنشین و مطبوع در یک جمله هم جمال داشت و هم کمال، دوستی و صمیمیتش حقیقی و بی شایبه بود، پر انرژی و بانشاط زندگی می‌کرد. حساس و پارسا بود کارهای خیر سرلوحه برنامه روزانه اش قرار داشت صبر نمی‌کرد تا مستمندی بیاید و از او کمک بخواهد خودش به دنبال مستمندان می‌رفت و با دردمندان می‌آمیخت تقوایش به شور و شوق آغشته بود. با وجود شرایط خانوادگی و رفاه اما از برگزاری مهمانی های مجلل خانوادگی و بریز و بیاش امتناع می‌کرد. (همان: ص ۵۷ و ۵۸)

مادر عزیز به عنوان خودی پروانه در برجسته سازی ویژگی های مثبت عشق او به تحصیل علم چنین بیان می‌داشت که درسش هم خیلی خوب بوده و داوطلبانه صبح های زود یا زنگ تفریح به آن

چند نفری که درشان ضعیف بود کمک می‌کرد و این کار را با چنان علاقه و رویی باز انجام می‌داد که همه دوستش داشتند. (همان:ص ۸۴)

خواهران پروانه نیز به عنوان خودی وی در برجسته سازی این ویژگی های مثبت او چنین اذعان داشتند که وقتی هم بزرگ شد و سر از بیرستان و دانشگاه در آورد تمام خصایل خوب کودکی اش را حفظ کرد. (همان: ص ۸۴و ۸۵)

فرزند داری:

سیماء، راوی داستان در پررنگ نشان دادن تربیت مادرانه پروانه چنین ابراز بیجه هایش را خیلی خوب تربیت می‌کند به خصوص مینا باهمه کم سن و سالی دختر بسیار فهمیده و مودبی شده بود حرکت ها و رفتارش او را از همسالانش متمایز می‌کرد به خوبی یاد گرفته بود چطور میتواند مورد احترام قرار بگیرد وقتی به خانه شان تلفن می‌کرد و او گوشی را برمی‌داشت از حرف زدن لذت می‌برد کاوه اسمش را گذاشته بود پرنسس. (۱۶۵) راوی داستان در جهت شفاف سازی و اقتناع مخاطب از عواطف مادرانه پروانه لطف و مهربانی او برای مازیار فرزند خودش را مثال می‌زد. (همان:ص ۱۶۳)

همسرداری:

راوی با هدف برجسته سازی ویژگی مثبت همسرداری پروانه اینگونه بیان می‌داشت: او عاشقانه نادر را دوست می‌داشت. هنگامی که یکی از اقوام نادر برای برپایی مراسم عروسی فرزندش از نادر خواست که خانه شان را در اختیار آن‌ها قرار دهد، و با کلامی شیرین گفت: "کار خیر بی‌پاداش نمی‌ماند. (همان:ص ۸۷) وی در ادامه چنین بیان می‌دارد: که او یک زن معمولی نبود و یک پله شاید هم چند پله جلوتر بود. (همان: ص ۸۷)

۱-۲-۳-۲. برجسته سازی ویژگی های مثبت مرد رمان بگشای لب

از آن روی که علت نگاشتن رمان توسط نویسنده زن نقد نگاه مرد سالارانه است به همین خاطر باعث می‌شود که گروه خودی مردان از محدودیت و تنگنایی برخوردار باشد و ویژگی های مثبت برجسته شده آنان هم از تنوع بسیار کم تری به نسبت زنان برخوردار باشد. واصلی ترین گروه خودی مردان نیز یا خود مردان هستند یا زنانی مرد تفکر می‌باشند.

۱-۲-۳-۱. برجسته سازی ویژگی های مثبت نادر

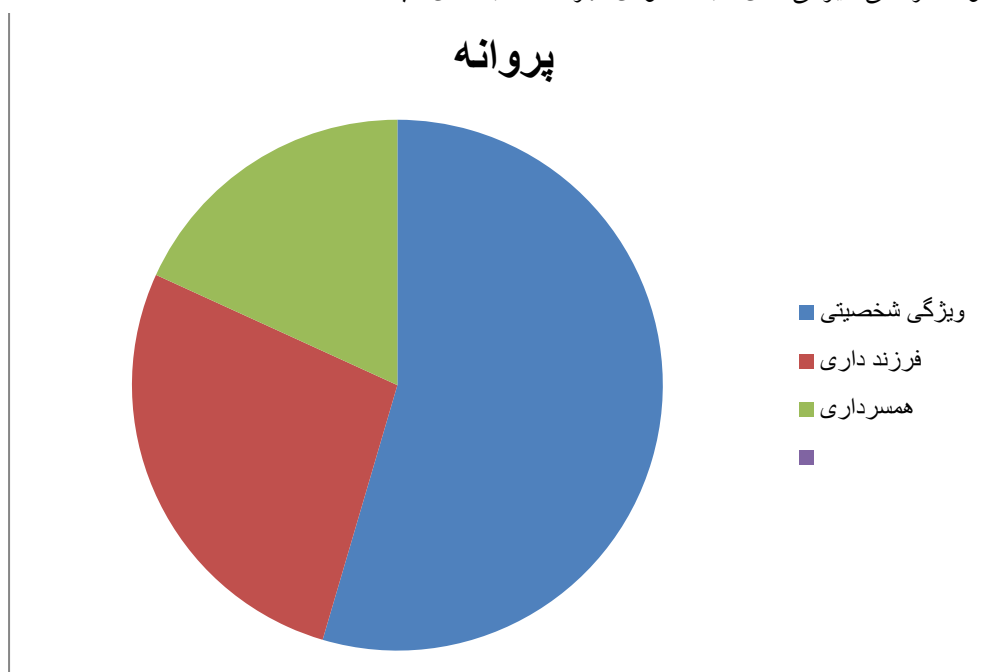
اصلی ترین کسانی که در پی برجسته سازی ویژگی های مثبت مردان هستند مادر پروانه، مادر نادر و کارگر منزلشان هستند و چون اندیشه سنتی دارند این ویژگی ها را به عنوان ویژگی مثبت تلقی می‌کنند. از دیگر خودی های نادر در این رمان می‌توان به برادر پروانه اشاره نمود که در ابتدای خواستگار از پروانه به او بیان داشته بود " این یکی بی‌عیب است به خصوص که این همه دلباخته ی تو هم هست. از آن گذشته ثروتمند و اسم و رسم دار است. ظاهر آرام و پسندیده ای دارد. جوان است و آینده مال اوست" (همان: ۴۶)

از ضلع های دیگر خودی ها و طرفداران نادر می توان به مادر نادر یا حاج اشرف خانم اشاره نمود که در جای جای رمان ابراز داشته بود که نادر برای او از بین فرزندانیش چیز دیگری است که آن هم به واسطه کاری بودن و در دست داشتن امور کارخانه پدری بود. (همان:ص ۵۴)

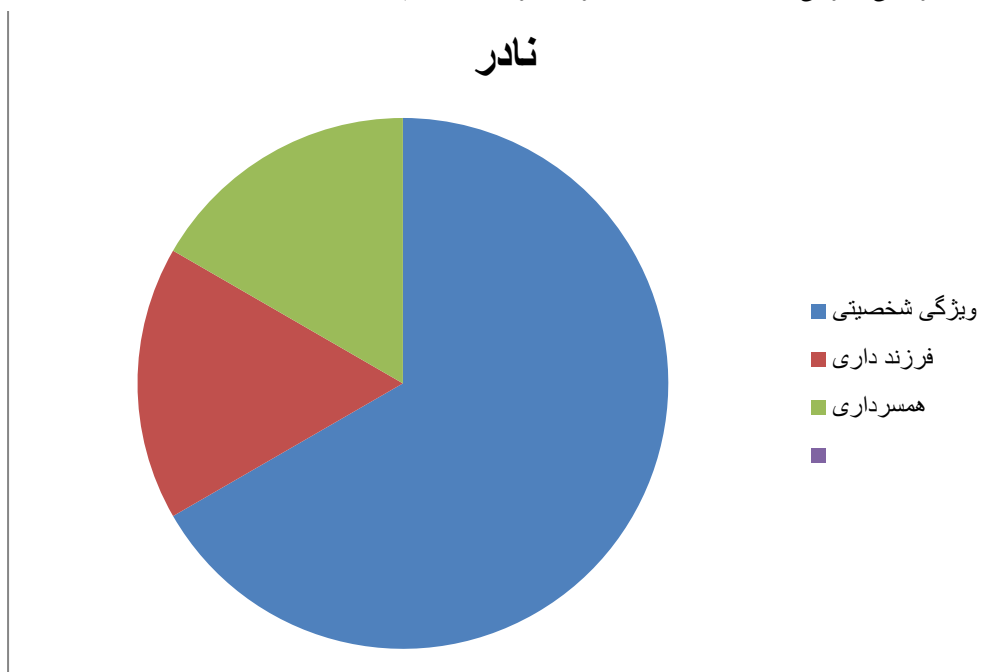
همچنین مادر پروانه در قسمتی از رمان ویژگی مثبت وی را این چنین بیان داشته بود که به پروانه گفته بود چرا می خواهد زندگی خودش را نابود کند در حالی که او در رفاه و زندگی می کند و بگذارد نادر هر کاری می خواهد بکند و به عقیده او نادر حرف بی راهی نمی زند و فقط دلش پسر می خواهد که آن را هم چندصباحی می رود و دوباره بر می گردد. (همان:ص ۱۳۵)

۲-۱-۳. مقایسه فراوانی برجسته سازی ویژگی های مثبت پروانه و نادر

نمودار فراوانی ویژگی های مثبت خودی قهرمان زن بگشای لب



نمودار فراوانی ویژگی های مثبت خودی قهرمان مرد بگشای لب



همانگونه که از جدول و نمودار فوق مشخص می‌باشد، ویژگی‌های مثبت شخصیتی پروانه از فراوانی ۷۲ و بسامد ۶۲ برخوردار می‌باشد که این موارد در آن به کرات ذکر شده است. اساسی‌ترین ویژگی‌های شخصیتی برجسته شده پروانه؛ ویژگی های، کمال جمال، روح بلند، علو طبع، بی نظیر، متدین، زندگی‌الگو شدن را داشت. پر انرژی و با نشاط بود. دوستی و صمیمیتی بی شائبه دارد. در مقابل ویژگی ها مثبت برجسته شده نادر در ویژگی شخصیتی از فراوانی ۲ برخوردار می باشد که صرفاً به بین کاری بودن و متمول بودن وی اشاره گردیده است.

از ذکر ویژگی های مثبت پروانه و نادر می توان پی برد؛ ویژگی برجسته شده شخصیتی نادر کاری بودن شرایط مالی ایده آل بیان می گردد در حالی که در مقابل ویژگی های مثبت شیرین اعم از متدین بودن، علو طبع جمال و کمال، مهربانی و عطوفت، خصوصیات نادر آنچنان ویژگی مثبتی به شمار نمی رود.

فراوانی ویژگی مثبت برجسته شده همسررداری پروانه از عدد ۴ برخوردار است. در مقابل ویژگی مثبت برجسته شده همسررداری نادر از فراوانی عدد ۲ و بسامد بیشترین آن عدد ۲ است. از مقایسه ویژگی این دو نیز چنین بر می آید؛ که خصوصیت تأمین رفاه همسر توسط نادر در مقابل عشق، صداقت، و اطاعت پذیری پروانه، ویژگی مثبت مهمی به شمار نمی آید.

فراوانی ویژگی مثبت فرزند آوری پروانه از عدد ۶ برخوردار است و فراوانی ویژگی مثبت فرزند داری برجسته شده ی نادر از فراوانی ۱ برخوردار است که صرفاً به خرید اسباب بازی گران قیمت اشاره گردیده است. از مقایسه ویژگی های مثبت نادر و پروانه در می یابیم ویژگی مثبت خردی اسباب بازی برای فرزندان در مقابل عشق ورزیدن به آنها، تربیت صحیح آنها ویژگی مثبت چشم گیری به شمار نمی آید.

از دلایل تنوع و بسامد بالای ویژگی های مثبت پروانه گستردگی گروه خودی او می باشد و از طرف دیگر راوی داستان، به عنوان نویسنده زن و دلیل نگاشتن داستان نقد جامعه مرد سالار بوده از یک سو به عنوان گروه خودی پروانه و غیر خودی نادر به شمار می آید که این دو عامل به عنوان اصلی ترین فاکتورهای این اختلاف برجسته سازی ویژگی های مثبت خودی می باشد.

اما در ارتباط با نادر از آنجا که نگاه نویسنده رمان نسبت به نقد جامعه مرد سالار در رمان حاکم است باعث بر آن شده که نادر به عنوان ضلع مخالف از گستردگی گروهی برخوردار نیست و حتی راوی از زبان نادر هم ویژگی مثبت و را بیان نمی کند.

۲-۱-۴. برجسته سازی ویژگی مثبت خودی یومیات مطلقه

۲-۱-۴-۱. برجسته سازی ویژگی زن/ قهرمان داستان

ویژگی های شخصیتی و اجتماعی

قهرمان زن داستان یومیات مطلقه که خود را بزرگ شده در خانواده ای موفق معرفی می دارد، در معرفی ویژگی های شخصیتی خویش چنین ابراز می دارد، "طبق نظر همه خیلی زرنگ و باهوش بودم و این باهوشی را از پدرم به ارث برده بودم و ادبیات، هنر و روابط اجتماعی بالا را دوست می داشتم و ادبیات را در عالم فکر و خیال می پسندیدم.. (همان:ص ۱۹۵)"

قهرمان زن این داستان خود را به عنوان یک زن در جامعه و همینطور در وجود خویش پذیرفته به اسقف با خوشحالی گفت من زن هستم و احساس خوشبختی می کنم و دیگر همسر را دوست ندارم (همان:ص ۱۵۷) و بعد از جدایی، به شیوه ای که در برجسته سازی این ویژگی مثبت خویش چنین بیان می دارد. کاملاً آگاه شدم فهمیده تر افق دیدم گسترده تر و باهوش تر شد. شناختم از خویش کامل نشد مگر اینکه تمام ابعاد کلمه مطلقه را زندگی کردم و دارای زیرکی خاصی شدم چون توانایی های خارق العاده ای دارم. واقعاً به یک جادو گر تبدیل شدم. که نگاه نافذی دارد نگاهی که از پوست و گوشت و استخوان می گذرد. توانایی ام به حدی رسید که توانستم افکار برنامه ریزی شده یا افکار پنهان در سلول و لوب های مغز را بخوانم. (همان:ص ۲۲۷)

همسر داری

زن قهرمان داستان که در دادگاه در پیشگاه اسقف به ناگاه خاطرات اوایل ازدواج با همسرش را به یاد آورد، که همسرش به او گفته بود تو خوش سلیقه هستی. او که خود را عاشق و شیفته همسرش معرفی می‌کرد، این ویژگی را اینگونه به نمایش می‌گذارد: "به قامت رعنائش خیره شدم و چیزی در چشمانش می‌دیدم که به من اطمینان می‌داد که هنوز هم او را دوست دارم." (همان:ص ۷۱) زن که با دیدن همسرش در دادگاه این خاطرات را به یاد آورد، همچنان در اعماق وجودش عشق به همسر را چنین بیان می‌دارد، "گوشه چشمی بر او انداختم قلبم به تپش افتاد همان لباسی را پوشیده بود که من برایش انتخاب کرده بودم. لحظه‌ای به ذهنم خطور کرد که او ا صدا بزند و از او بخواهد همه چیز را رها کند و با هم از آنجا فرار کنیم." (همان:ص ۷۲) که ناگهان صدای اسقف را شنید که او را از تخیلاتش بیرون کشید و از او پرسیده بود آیا می‌خواهد به زندگی با همسرش برگردد که زن گفت: "اگر احترام را داشته باشد و با او رفتار مناسبی داشته باشد بر می‌گردم." (همان:ص ۷۵) اسقف اعظم که طرفدار او بود و در این قسمت جزء خودی‌های زن به حساب می‌آید، به او این چنین گفت: "دخترم تو زن خوب و کاملی هستی." (همان:ص ۷۷)

فرزند داری

زن داستان که شخصیت اصلی داستان و راوی داستان نیز می‌باشد، اصلی‌ترین بیان‌کننده برجسته ساز ویژگی‌های مثبت خودش است. او که در دادگاه برای طلاق حاضر شده بود. به ناگاه تصویر دختر مظلوم را که قربانی این اختلاف بود را به یاد آورد (هیفا بیطار: ۶۶). وی پس از گذراندن دوران سخت افسردگی و تنهایی که در جامعه‌ی مردسالار بر او وارد شده بود این اولین بار است که می‌خواهم برای خودم ارزش قائل شوم و با کمال اعتماد به نفس و شجاعت ثابت قدم می‌ایستم بر روی احساسات مادرانه ام تمرکز کنم. (همان:ص ۲۴۲) بنابراین پیش از رفتن به سر کار با دختر زیبایم بازی می‌کنم بعد لباس می‌پوشم کمی آرایش می‌کنم دخترش را به پدر بزرگ و مادر بزرگش می‌سپارد. پس از بازگشت از مطب سراغ دخترم می‌رود او را در آغوش می‌گیرم و حرفهایش را می‌شنود و برایش قصه می‌گویم، با او آب بازی می‌کنم. (همان:ص ۲۶) دخترم را تنها حقیقتی است که به آن ایمان دارم و او را تاحد عبادت دوست دارم. (همان:ص ۱۷۲)

شخصیت داستان در برابر دختری که او را به این دنیا آورده احساس مسئولیت می‌کند به گونه‌ای که در قسمتی از رمان چنین ابراز می‌دارد "موهایش را شانه می‌زنم و همیشه برایش لباس‌های تمییز و

زیبا می پوشم پاهای کوچکش را می شوید و برای لحظات طولانی آنها را می بوسد." مشخص است که کنار مادر احساس آرامش می کند و خوشبخت است. مادری که او را خیلی دوست دارد و او را در دریای احساساتش غرق می کند. وقتی دخترش او را مامان صدا می زند قدرتی جادویی او را در بر می گیرد. (همان: ص ۲۴۰)

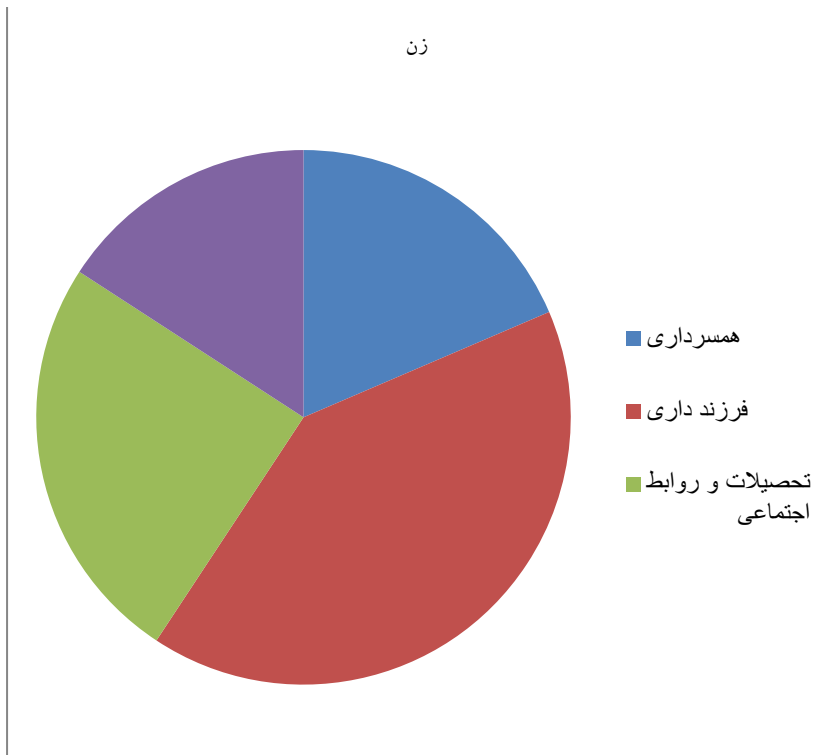
۲-۱-۴. برجسته سازی ویژگی های مثبت مرد یومیات مطلقه

با توجه به این که رمان یومیات مطلقه براساس نقد جامعه مردسالاری نگاشته شده است و زن در پی بیان ویژگی های منفی و نقد این جامعه و تضيع حقوق زنان است، بنابراین بیان و پررنگ داشتن ویژگی های مثبت مردان از محدودیت عمیقی برخوردار می باشد. و فقط به یک یا دو نمونه از آن می توان اشاره نمود، که آن را هم در سایه برجسته سازی ویژگی مثبت زن بیان می شود. از جمله از آن ها زمانی که زن داستان با همسرش به بیرون رفته بودند و او مشتاقانه از حضور کنار همسرش می خواست چیزی برای خود انتخاب کند و هنگامی هم که زن داستان امتناع کرده بود، خودش برایش عروسک خریده بود "آن عروسک را آورده بود از خنده مردم..." (همان: ص ۷۷)

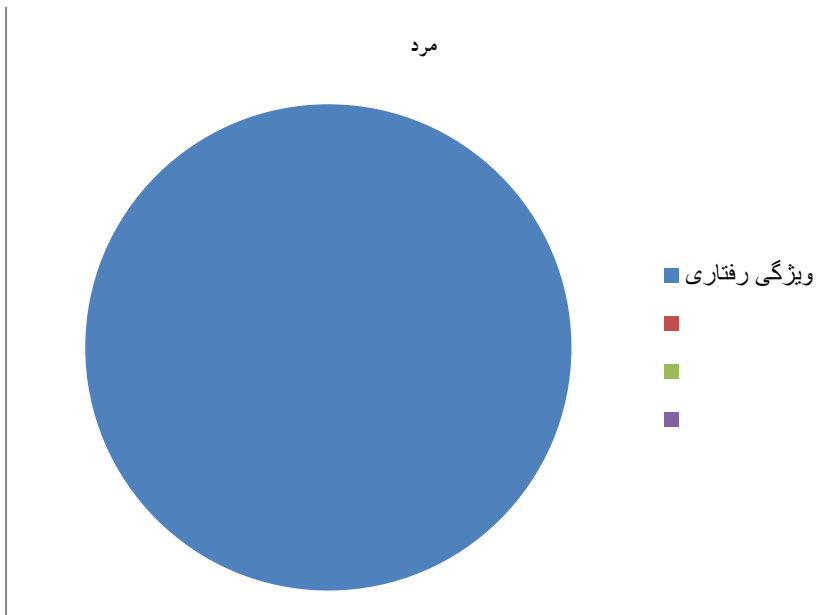
و همچنین در همان تفریح مرد که به سلیقه زن ایمان داشت از او خواسته بود برایش لباس انتخاب کند و از او خواسته بود همیشه این کار را برایش انجام دهد. (همان: ص ۶۹)

۲-۱-۳. مقایسه فراوانی ویژگی های مثبت زن و مرد رمان

نمودر فراوانی برجسته سازی ویژگی مثبت زن یومیات مطلقه



نمودر فراوانی برجسته سازی ویژگی مثبت مرد یومیات مطلقه



از مهمترین ویژگی های برجسته شده زن که با فراوانی ۱۱ ذکر گردیده عبارتند از: دارای عشق و آزادی عدم سرپوش گذاشتن بر اشتباهات، زرننگ و باهوش بودن، اهل مطالعه زیاد خوب و کامل می باشد که در مقابل ویژگی مثبت مرد از نظر ویژگی شخصیتی با فراوانی ۲ عبارت است از محبت که در اوایل ازدواجشان توسط زن بیان گردیده که در مقابل ویژگی های عشق آزادی کامل بودن محبت داشتن اهل مطالعه بودن ویژگی آنچنان مهمی به شمار نمی آید.

از ویژگی های برجسته شده زن از نظر همسر داری که با فراوانی ۱۸ ذکر گردیده می توان به عشق او به همسر، دلسوزی، تمایل به بازگشت به منزل بعد از جدایی و خواهان ادامه زندگی گرفتن هدیه برای همسر نام برد در حالی که ویژگی مثبتی از همسر داری مرد در رمان ذکر نگردیده که نمایانگر عدم وجود ویا عدم تمایل به بیان آن در رمان می باشد.

همچنین ویژگی های مثبت زن در رابطه با فرزند داری که از فراوانی ۱۵ برخوردار است. می توان به توجه او به خواسته های فرزند، خوب تربیت کردن او آواز خواندن برای او بازی با فرزندش و محبت به دخترش را نام برد. در صورتی که هیچگونه ویژگی مثبت فرزند داری برای مرد رمان مشاهده نگردیده است.

از مقایسه ویژگی های مثبت زن در رمان چنین در میابیم که ویژگی های برجسته شده زن از گستردگی و بسامد بسیاری برخوردار می باشد، و همانگونه که شخصیت اصلی رمان زن می باشد، به برجسته سازی ابعاد مختلف وجودی خویش اعم از همسر داری، فرزند داری و ویژگی شخصیتی پرداخته در صورتی که از ویژگی های مثبت همسرش

چیزی به میان نیاورده است. و آنچه از ویژگی مثبت همسرش بیان صرفا جهت مقایسه و یادآوری می باشد.

۲-۳. خوانش تطبیقی برجسته سازی مثبت نمای خودی رمان های بگشای لب و یومیات مطلقه

آنچه که از جدول و نمودار های پیشین در می یابیم؛ که رمان فارسی از دایره شمولی تنوع زنان بیشتری برخوردار بود که گروه خودی قهرمان زن داستان هستند و ویژگی های مثبت وی را برجسته کرده اند. اما در رمان عربی تنها زنی که ویژگی های مثبت آن برجسته شده است فقط قهرمان داستان می باشد.

در بیان ویژگی های شخصیتی در رمان فارسی، از فراوانی ۶۵ می باشد و در رمان عربی از فراوان ۲۱ برخوردار می باشد که ویژگی های مثبت بیان شده در رمان فارسی بیان ویژگی های متدین بودن قابل احترام با محبت و دارای روحیه همدردی می باشد به گونه ای که شخصیت زن در رمان عربی زنی باهوش، با تفکر آزاد نفرت از دورویی و کینه زنی جوان قدرتمند که از سرپوش گذاشتن و پنهان کاری بیزار است. از مشاهده این ویژگی های بیان شده در می یابیم که زن در جامعه فارسی از دیدی سطحی برخوردار است در حالی که زن جامعه ی عربی در بیان ویژگی مثبت خویش دیدی عمیق و جسورانه تر دارد.

در بیان ویژگی‌های مثبت همسرمداری زن در رمان فارسی از فراوانی ۱۰ و در مقابل عربی از فراوانی ۶ برخوردار می‌باشد که این ویژگی‌ها در رمان فارسی عواملی از جمله عاشق همسرش شدن است که به کرات تکرار شده است همین‌طور فداکاری و صبر در مقابل رفتار همسر و مادر شوهر بیان شده است در مقابل این ویژگی مثبت در رمان عربی عشق به همسر را به صورتی دیگر بیان داشته به گونه‌ای که اگر در منزل احترامش حفظ گردد حاضر است با او زندگی کند. ودوست داشتن همسرش را با بیان این موضوع که می‌خواستم به او بگویم بیا از این جا برویم و از طلاق منصرف شویم یا در زمان جدایی برای همسرش لباس خریده. در مقابل زن در رمان فارسی با فکر خیانت همسرش خودکشی کرده و دیگری همسرش را به قتل رسانده است.

در مشاهده نوع نگاه قهرمانان دو رمان در فرزند داری هم متفاوت می‌باشد، به گونه‌ای که در رمان فارسی با فراوانی ۸ و رمان عربی با فراوانی ۱۳ برخوردار است که این تمایز و اختلاف این دو از آن روی است، که رمان عربی فرزند داری را اینگونه می‌داند که قهرمان داستان مادری کردن برای فرزندش را در داستان خواندن قصه خواندن، در آغوش گرفتن و، تا حد عبادت عشق ورزیدن به گونه‌ای که به او می‌گوید برای او آواز می‌خواندم صدا ایم هم بعد از مدتی زیبا شد. عشق به فرزندش را به گونه‌ای بیان می‌دارد که با او به جوهر حیات دست پیدا کرده و تنها به خاطر اوست که زندگی می‌کند. در حالی که فرزند داری به عنوان ویژگی مثبت در زنان رمان فارسی را در تربیت اجتماعی مناسب می‌داند و حتی زن رمان که در ایجاد اختلاف با همسرش فرزندان را به خانه مادر شوهر فرستاده و یا حتی با وجود چهار فرزند با سنین کوچک به دلیل مشکلات خانوادگی فارغ از آنها به زندگی خویش خاتمه داد.

علاوه بر آن زنانی که در رمان فارسی ویژگی‌های مثبت آن برجسته شده است مشخص و آشکار می‌باشد در صورتی که در رمان عربی زنی که ویژگی مثبت آن در رمان برجسته گردیده مشخص نمی‌باشد. که علت آن را می‌توان در این امر بیان نمود که قهرمان داستان در رمان عربی ویژگی‌هایی را مثبت تلقی نموده و به برجسته سازی آن پرداخته است که جامعه مرد سالار آن را به عنوان ویژگی مثبت تلقی نمی‌کند و دلیل گمنام بودن او این می‌باشد که تمایل ندارد نام او فاش گردد و خوانندگان قهرمان داستان را نویسنده رمان تلقی کنند. اما رمان فارسی از این مزیت برخوردار می‌باشد که مشکلات زنانی که در رمان بیان گردیده مشکلات زنان نمی‌داند بلکه مشکلات جنس زن در جامعه می‌داند از آن روی که زنان متفاوت با نقش‌های متفاوت در رمان به چشم می‌خورد که در مشاهده این امر در رمان فارسی این تفکر ایجاد می‌گردد از آن رو که زنان در این رمان تنوع بیشتری دارند و نقش‌های بیشتری دارند گویا نویسنده سر آن دارد که جنسیت زن را به نمایش بگذارد؛ اما رمان عربی که قصد وی پنهان سازی شخصیت زن می‌باشد به نسبت رمان فارسی از ضعف برخوردار است.

همچنین در بررسی و مقایسه دو رمان فارسی و عربی به این امر پی می‌بریم که زنان در رمان فارسی، همسرشان و مردان جامعه یا بلکه زنان مرد تفکر را عامل مشکلات خویش می‌دانند و هنوز به این باور نرسیده‌اند که مشکلاتشان می‌تواند به امری بزرگ‌تر یعنی جامعه یا جنس مرد متصل باشد.

در صورتی که در رمان عربی برجسته سازی ویژگی های منفی به شخص منحصر نگردیده؛ بلکه هدف او جنس مرد در جامعه می باشد از آن روی که این ویژگی های منفی را ویژگی منفی جامعه مرد سالار تلقی کرده نه یک شخص مرد ولی در رمان فارسی نویسنده نتوانسته است به این امر بپردازد هر چند که هدف وی نقد نگاه مرد سالارانه می باشد.

نتیجه

گفتمان ابزاری در جهت شناخت کنه و ماوراء متن می باشد و کارکرد اصلی آن در سده های اخیر با عنوان تحلیل گفتمان و بویژه تحلیل گفتمان انتقادی مورد توجه قرار گرفته است که به بررسی و تحلیل متن ها و سخنان از منظری فراتر از متن پرداخته می شود. از جمله نظریه پردازان این ایدئولوژی ون دایک می باشد که با تحلیل گفتمان از طریق مربع ایدئولوژی باب جدید و تازه ای در تحلیل گفتمان ایجاد نمود.

رمان بگشای لب از تنوع شخصیتی بسیار زیادی برخوردار می باشد که این امر راه را برای نویسنده در جهت خلق صحنه های مختلف و همه جانبه با هدف نمایش تضییع حقوق زنان و اعتراض به جامعه و نوع مرد آسان تر نموده است؛ در مقابل رمان یومیات امراه مطلقه از تنوع شخصیتی اندک برخوردار می باشد که می توان هدف آن را این امر دانست که نویسنده ی داستان به نوعی خودباوری رسیده است که این امر را مخالف قوانین موجود در جامعه ی خویش می داند و باعث گردیده کم ترین اطلاعات را از محیط اطراف خویش در اختیار خوانندگان قرار دهد تا به نوعی در جامعه ی مردسالار ناشناخته باقی بماند.

در بررسی مربع ایدئولوژی ون دایک در رمان بگشای لب می توان دریافت که اغلب به برجسته سازی ویژگی های مثبت زنان و همچنین ویژگی پرداخته شده و این ویژگی های درونی و همچنین اکتسابی می باشد و اکثر جوامع حتی با فرهنگ های مختلف آن را منفی تلقی می کنند. در صورتی که در رمان یومیات امراه مطلقه ویژگی هایی پررنگ گشته اند، ا که ممکن است در جامعه مورد قبول نباشد یا جامعه به حدی از روشنفکری نرسیده باشد که آن موارد را مورد نظر قرار دهد؛ از جمله عاشق شدن زن مطلقه یا شوهر دار.

زن در رمان فارسی شخصیتی وابسته به دیگران دارد به گونه ای که نیاز دارد دیگران گواه دهنده ویژگی مثبت و خودی وی باشند. اما در رمان یومیات امراه مطلقه، زن قهرمان داستان در خود را شخصیتی تعیین کننده، صاحب اختیار و انتخاب معرفی می نماید. و هدف او تأثیر گذاری در جامعه می باشد. های مثبت در رمان فارسی ویژگی های سطحی عامیانه ای هستند که همان نیاز های اولیه انسانی می باشند در صورتی که در رمان عربی ویژگی های مثبت بیان شده بسیار آرمان گرا و بالاتر از نیاز های اولیه زن در جامعه می باشد.

منابع

منابع عربی

الشهری. عبدالهادی بن ظافر. (۲۰۰۴) استراتیجات خطاب مقاربه لغویة تداولیه؛ الطبعة الأولى فی بیروت: دار الکتب الجدید المتحدہ.

شرشار، عبدالقادر، (۱۹۹۸م)، تحلیل الخطاب الادبی و قضایا النص. دمشق، منشورات اتحاد کتاب العرب.

عبد السمیع، الحسنہ، (۲۰۰۱)، سیمسوطیقا للغة و تحلیل الخطاب؛ القاهرة: جامعه عين الشمس.

منابع فارسی

آقا گل زاده فردوس و همکاران. (۲۰۰۶). بررسی مقایسه‌ای القای ایدئولوژی در رسانه‌های ایرانی آمریکایی در چارچوب نظریه ایدئولوژی ون دایک. علوم خبری. سال هشتم. تابستان ۹۸. شماره ۳۹.

آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.

آقا گل زاده. فردوس و غیاثیان. مریم السادات (۱۳۸۶) رویکرد های غالب در تحلیل گفتان انتقادی زبان و زبان شناسی دوره سوم بهار و تابستان ۱۳۸۶ شماره ۵.

امیر پور، فرزانه. روضائیان، سید مریم (۱۳۹۷) بررسی الگوی تحلیل گفتمان میشل فوکو و مباحث علم معانی در نامه های عاشقانه چهار منظومه غنایی. فصل نامه ی متن شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی) شماره دوم تابستان ۹۷

بهرامپور، شعبانعلی. (۱۳۸۰) نشریات حوزوی و گفتمان های غالب. شماره ۴۸.

پاشا زانوس، احمد و رحیمی معصومه (۱۳۹۸). تحلیل گفتگوی حضرت موسی و فرعون در سایه مربع ایدئولوژیک ون دایک. پژوهش های زبان‌شناختی قرآن سال هشتم بهار و تابستان ۹۸. شماره ۱.

تاجیک محمد رضا. (۱۴۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

مک دانل، دایان (۱۳۸۰۹). مقدمه ای بر نظریه ی گفتمان. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

داد. سیما، (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی واژه نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی. مروارید

سلطانی. سید علی اصغر، (۱۳۸۴) قدرت، گفتمان و سازو کار جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر تی.

صلح جو، علی. (۱۳۷۷). گفتمان ترجمه. تهران: مرکز ۶۵. عبدالسمیع، حسنہ. (۲۰۰۴م) سیمپوطیقه اللغة و تحلیل الخطاب؛ القاهرة: جامعه عين شمس

صالحی زاده، عبد الهادی (۱۳۹۰). «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو، روش های تحقیقی کیفی» معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره ۷، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حامدی شیروان، زهرا. زرقانی، سید مهدی (۱۳۹۳) تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک. نشریه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی. بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۳۸.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۳) گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه
مازندران سال چهارم و پاییز ۱۳۸۳ شماره ۱۴.

فلاح، ابراهیم. شفیع پور، سجاد. (۱۳۹۸) سبک شناسی گفتمانی خطبه ۲۸ نهج البلاغه از منظر فرانقش
اندیشگانی و بینافردی براساس رویکرد نظریه ی نقش گرایی هلیدی. جستار های زبانی. دوره دهم. بهمن
و اسفند ۱۳۹۸. شماره ۶

فیلیپس، لویی. یورگنس ماریان. (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان. مترجم هادی جلیلی. تهران
نشر: نی.

(۱۳۹۸). بررسی مقایسه ای القای ایدئولوژی در رسانه های ایرانی و آمریکایی در چارچوب نظریه
ایدئولوژی ون دایک (۲۰۰۶). علوم خبری سال هشتم تابستان ۱۳۹۸. شماره ۳۰

مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰). دانشنامه نظریه ی ادبی معاصر، ترجمه مهرا ن مهاجر و محمد
نبوی، تهران: آگه.



دراسة الخطاب الاجتماعي في روايتي «بگشای لب» و «يوميات مطلقة»: تضخيم ايجابيات لانا

طاهرة أويسي^١، مجتبی بهروزي^٢، علي أصغر حبيبي^٣

^١ ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة زابل، زابل، إيران.

^٢ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة زابل، زابل، إيران.

^٣ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة زابل، زابل، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

يسعى تحليل الخطاب كأداة لتحديد الأيديولوجية التي تحكم النص إلى اكتشاف الطبقات المخفية للنص. بصفته أحد منظري تحليل الخطاب، فإن فان دايك، من خلال التأكيد على المؤشرات الثلاثة للخطاب والمجتمع والإدراك، يصمم نموذج تحليل الخطاب الاجتماعي المعرفي من خلال رسم مربع أيديولوجي وإدخال استراتيجيات لغوية لبناء الخطاب. يكتشف المربع الأيديولوجي لفان دايك، من خلال رسم تخطيطي لمجموعة المطلعين ومجموعة أخرى، التلويح الكامل للفعل الإيجابي للمجموعة المطلعة، ومجموعة سلبية أخرى، وضعف العمل الجماعي السلبي لمجموعة أخرى من الداخل الإيجابي. تحاول الروايات النسوية دائماً استقطاب المجتمع في مواجهة بين الرجال والنساء، بحيث تُعتبر الأيديولوجية الأبوية للمجموعات السلبية والانقسامات الأبوية والنسوية إيجابية. وفقاً لذلك، تحاول هذه الورقة لتعرف على أبرز ما ورد في روايتين "يوميات عمرة المطلقة" و "بگشای لب" بطريقة وصفية تحليلية واستناداً إلى ساحة فان دايك الأيديولوجية. ومن ثم اكتشاف وتقييم الاستراتيجيات اللغوية الأساسية للروايتين وخطابتهما الأيديولوجية بناءً على المستويات اللغوية لفان دايك. تشير النتائج الأولية إلى أنه في رواية يوميات عمرة المطلق، لأن اهتمام المؤلف أكثر بالتعرف على النساء، في الفصول الأولى الجوانب المتعلقة بالجماعة غير الأصلية وفي الفصول الأخيرة الجوانب المتعلقة بالجماعات الأصلية أكثر زاهي الألوان. لكن في رواية بگشای لب، يكون الأمر أكثر شيوعاً من النساء المرتبطات بالمجموعة الداخلية بسبب محاولتهن أن يكونن بطلات. أيضاً فيما يتعلق باستراتيجيات اللغة، على مستوى المعنى، فإن استراتيجيات الاستقطاب والمواجهة والتعميم للروايتين أكثر، على مستوى أسلوب الرواية، فإن القدرة المطلقة للوصايا المطلقة أقوى بسبب اختيار الكلمات والأهمية النحوية لجملة. على مستوى أسلوب السرد، إذا كانت القوة المطلقة للرسالة المطلقة، فهي أقوى بسبب اختيار الكلمات وأهمية محتواها اول المؤلفون أيضاً القضاء على بعض الأيديولوجيات وقلب بعضها رأساً على عقب وإعادة إنتاج البعض الآخر من خلال توعية الجمهور بالأيديولوجيات السلبية للمجتمع الأبوي.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٥/١٠/٢١

تاريخ القبول:

١٤٤٦/٠١/٢٣

الكلمات المفتاحية: فن دايك، المربع الأيدولوجي، تضخيم ايجابيات، بگشای لب، يوميات مطلقة.

الاقبباس: أويسي، ط. بهروزي، م. حبيبي، ع.أ. (١٤٤٦). دراسة الخطاب الاجتماعي في روايتي بگشای لب و يوميات مطلقة (تضخيم ايجابيات)، السنة، العدد ٢، صص ٧١-٩٦. Doi: 10.22034/jisall.2025.202962



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

Socio-cognitive analysis of the novels *Begshay Lab* and *Yumiat Mutlaq* (highlighting the positive aspects of the self)

Tahereh Owaisi, Master in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

Mojtabi, Behrouzi, (corresponding author): Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran. E-mail:mojtababehroozi@uoz.ac.ir

Ali Asghar, Habibi, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

Introduction

Discourse in general is a tool to identify everything that is hidden beyond the text. There are two textual and metatextual frameworks in discourse. The first part has a stylistic and textual-semantic nature, the second part has a social, political and cultural nature, discourse analysis in Persian language is translated as speech analysis, speech analysis and speech analysis (Sultani, 1284: 37). Based on this, in the discourse analysis, in addition to the lexical and syntactic elements that make up the sentence, it also deals with the contextual, historical, cultural, social and political elements. The term is a combination of sociology and linguistics, as defined beyond the visible forms of language and reaching social contexts and discovering the mutual relationship between language and social processes (Fazli, 1383: 84) critical discourse analysis It is an approach in discourse analysis that was formed since 1970 (Aghagolzadeh, 2014: 27), which is a developmental series of discourse analysis in linguistic studies that goes beyond the mere description of linguistic data and ideological processes and intertextual situation textures. effective on the formation of the discourse has put it in the focus of attention (Fairclough, 1995: introduction).

Methodology

This approach is an interdisciplinary branch of science that emphasizes language as a form of social function, investigation and how to reproduce social and political power with text and dialogue. In this view, the way we speak reflects our identity and social relationships. It is not neutral, but it has an active role in its creation and change (Sultani, 2013: 38). Critical discourse analysis is a type of critical research that has the most sociological aspect, as it comes from the word criticism, primarily to the problem of misuse of The power of dominance deals with inequality and reproduction and resistance in texts (Mohammed Fazli, 1383: 88) One of the main goals of critical discourse analysis is to objectify ideology in discourse, perhaps we can say that political discourse is more ideological than other discourses. We define

ideology as representing the social characteristics of groups. (Mohammed Fazli, 1383: 83)

Discussion and Results

Feminist novels, because of addressing these problems, divide the society into two groups of insiders (women) and non-insiders (men) and try to eliminate reproduction and replace ideology in their discourse. One of the novels examined in this research is Haifa Bitar's novel, which always protests the neglect of women's position in their society. In general, the Arab woman in Haifa Bitar's novels is concerned about her unsettled position in a society that considers men superior to women. He is unhappy. He removes the veil of the patriarchal and fake values of the society and reveals the reality of the anger that the Arab woman struggles with (Shahriyar Niazi et al., 1390: 120). Placing the problems of divorced women in the society and family is related to the two-way polarization of men and women, to eliminate or transform the ideology of patriarchy in the society. Another novel under review is the novel Bagshai Lab written by Shahreh Vakili, one of the contemporary Iranian writers, who in this novel tries to fight against patriarchal ideology by revealing prejudices and betrayal in men and making women heroes. Each of these feminist novels uses tools and strategies. language skills in order to fight against male-oriented ideas and improve the position of women both in the society and in the family. In this essay, with a descriptive-analytical approach and based on Van Dyck's theory of discourse analysis, firstly highlighting and diminishing the two To examine the work, its linguistic strategies, and then to analyze the most basic hidden strategies of reproduction, elimination and inversion.

Conclusion

Bagshai Lab's novel has a great diversity of characters, which has made it easier for the author to create different and comprehensive scenes with the aim of showing the violation of women's rights and protesting against society and the type of man; On the other hand, the novel Diaries of a Divorced Woman has little personality diversity, which can be considered as the fact that the author of the story has reached a kind of self-confidence, which he considers to be against the laws in his society, and which has caused the least amount of information. to provide the readers from his surroundings so that he remains unknown in the patriarchal society.

In the examination of van Dyck's square ideology in the novel Open Lips, it can be seen that the positive characteristics of women are often highlighted as well as characteristics, and these characteristics are internal and also acquired, and most societies, even with different cultures, consider it negative. If there are certain features highlighted in the novel Diaries of a

Divorced Woman, which may not be accepted in the society or the society has not reached the level of intellectuality to consider those things; including falling in love with a divorced or married woman.

Reference

- Abdulhanan, M. (2018). *Al-khayal al- 'ilmi fi al-adab al- 'arabi al- mu'asir* [Science fiction in contemporary Arabic literature]. *Aqlam Al-Hind Journal*, 3(4). {In Arabic }
- Abdulmalik, A. (1998). Ma al-adab al- 'ilmi? [What is scientific literature?]. *Al-Majallah*, 13, 84–89. {In Persian }
- Al-Yaseen, M. A. (2008). *Al-khayal al- 'ilmi fi al-adab al- 'arabi al-hadith fi daw' al-dirasat al-muqaranah* [Science fiction in modern Arabic literature in light of comparative studies] [Unpublished doctoral dissertation]. Baath University, Syria. {In Arabic }
- Azam, M. (1994). *Al-khayal al- 'ilmi fi al-adab* [Science fiction in literature] (1st ed.). Damascus: Dar Talas. {In Arabic }
- Basma Ji, S. (2010). Sihr al-khayal al- 'ilmi [The magic of science fiction]. *Al-Bahithun Journal*, 42. {In Arabic }
- Imran, T. (1989). *Fi al- 'ilm wa al-khayal al- 'ilmi* [On science and science fiction] (1st ed.). Damascus: Ministry of Culture. {In Arabic }
- Imran, T. (2015). Al-khayal al- 'ilmi fi al-adab [Science fiction in literature]. *Al-Mawqif Al-Adabi*, 530, 55–56. {In Arabic }
- Shanawa, M. F., & Al-Bazarkan, B. A. H. M. (2017). Jamaliyat nusus al-khayal al- 'ilmi al-masrahi [Aesthetics of science fiction theatrical texts]. *Babylon Center Journal for Human Studies*, 5(1). {In Arabic }
- Sharif, N. (1970). *Raqm 4 ya 'murkum* [Number 4 commands you] (1st ed.). Cairo: Kitab Al-Yawm. {In Arabic }
- Sharif, N. (2008). Al-khayal al- 'ilmi akthar alwan al-adab itharah [Science fiction: The most exciting form of literature]. *Al-Khayal Al- 'Ilmi Journal*, 1, 6–16. {In Arabic }
- Sharif, N. (2009). Al- 'ata' al- 'arabi fi adab al-khayal al- 'ilmi [The Arab contribution to science fiction literature]. *Al-Khayal Al- 'Ilmi Journal*, 12, 6–11. {In Arabic }
- Sabri, A. M. (1987). Arshif al-qissah: Nihad Sharif [Story archive: Nihad Sharif]. *Al-Qissah*, 52, 137–142. {In Arabic }
- Naemi, Z., & Mofakheri, F. (2017). Arman-shahr va zedd-e arman-shahr dar asar-e elmi-takhyali-e Tawfiq al-Hakim [Utopia and dystopia in Tawfiq al-Hakim's science fiction works]. *Arabic Contemporary Literature Criticism Quarterly*, 7(12), 173–194. {In Persian }